

ایسکرا

۹۷۴

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 004915778789846
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

سردبیر عبدال گلپریان

۱۷ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

در حاشیه جلسه علنی دادگاهی مختار زارعی

نسان نودینیان

برای علنی شدن دادگاه صدها نفر دیگر از دستگیرشدگان باید دست به اقدام جمعی و همگانی در کردستان، زد دادگاه کذایی انقلاب سندنج در پی درخواست مختار زارعی، با برگزاری مجدد جلسه محاکمه وی بشکل علنی موافقت کرده است. خیر برگزاری مجدد جلسه علنی توسط مختار زارعی در میدیای اجتماعی منتشر شده و طی یادداشتی نوشته است: "در پی واخواهی وکلای شریف و پیگیرم آقایان دکتر امید رشیدی و کاک مازیار طاطایی، دادگاه انقلاب ضمن پذیرش واخواهی و برگزاری مجدد جلسه با درخواست علنی بودن جلسه هم موافقت نمود." مختار زارعی از علنی بودن دادگاه استقبال کرده و اعلام کرده: "برگزاری جلسه علنی فی نفسه مبارک و افکار عمومی و خرد جمعی را حرمت نهادن است مخصوصا دادگاه انقلاب که به شکایت داسرا از اینجانب به اتهامات سیاسی رسیدگی می کند."

صفحه ۴

مردم مبارز کردستان! علیه پرونده سازی و اعترافات تلویزیونی حکومت اسلامی بایستید!

صفحه ۲

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن! گسترده تر باد مبارزه علیه حجاب و تبعیض و زن ستیزی! گرامی باد چهل سال نبرد شورانگیز زنان علیه جمهوری اسلامی!

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران

ایسکرا میپرسد: بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن نسرین رضانعلی پاسخ میدهد

صفحه ۳

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

یادداشت‌های هفته:

عبدال گلپریان

باز هم "شاهزاده"

بنی صدر: شورا پورا مالیده

بازداشت و شکنجه سند درماندگی رژیم اسلامی

صفحه ۶

اطلاعیه های حزب

*پیدادگاه های جمهوری اسلامی را علنی کنیم
*فراخوان معلمان شاغل و بازنشسته به تجمع اعتراضی معلم زندانی آزاد باید گردد
*هیجدهمین روز تجمع اعتراضی کارگران قطارشهری اهواز و برخی اعتراضات دیگر
*اعتصاب ۹۰۰ کارگر رنگ سازی مشهد
و اخباری از اعتراضات گسترده علیه دستمزدهای پرداخت نشده
صفحه ۹ و ۱۰

علیه تبعیض، حجاب، تحقیر، خشونت و بردگی جنسی بپا خیزیم!



زنده باد ۸ مارس،
روز جهانی زن

بدرود رفیق!
عبدالله منوچهری (شوانه) یار دیرین و انقلابی مردم
شهر مریوان قلبش از تپیدن باز ایستاد!

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن! گسترده تر باد مبارزه علیه حجاب و تبعیض و زن ستیزی! گرامی باد چهل سال نبرد شورانگیز زنان علیه جمهوری اسلامی!

شکی نیست که هر پیشروی زنان ایران علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی دستاوردی برای تمام زنان جهان و بویژه در کشورهای اسلام زده است. جنبش رهایی زن در ایران بخش رادیکال و پیشتاز جنبش نوین رهایی زن در جهان است که علیه نابرابری و تبعیض و بردگی جنسی ای قدم علم کرده که امروز عملاً توسط سرمایه داری و دولتهایش تداوم می یابد.

حزب کمونیست کارگری فرا رسیدن ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان ایران و جهان تبریک میگوید و بازو در بازوی همه فعالین جنبش آزادی زن به استقبال این روز میروند و در بزرگداشت هرچه با شکوهرت آن میکوشد.

زنده باد آزادی و برابری
آزادی زن، آزادی جامعه
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ بهمن ۱۳۹۷
۵ فوریه ۲۰۱۹



حزب کمونیست کارگری فرا رسیدن هشت مارس روز جهانی زن را به همه زنان ایران و جهان تبریک میگوید و بازو در بازوی همه فعالین جنبش آزادی زن به استقبال این روز میروند و در بزرگداشت هرچه با شکوهرت آن میکوشد.

است تا این چهل سال مبارزه قهرمانانه زنان علیه جمهوری اسلامی و نه به اسلام سیاسی را به اشکال گوناگون گرامی داشت؛ و از این فرصت استفاده کرد تا مبارزه برای رهایی جامعه از شر رژیم اسلامی و زن ستیزی را گامی دیگر به جلو راند. ما همه مردم ایران را دعوت میکنیم تا روز جهانی زن را در اجتماعات و گردهمایی خود، در محیط کار و تحصیل، در خیابان و محله و در فضای مجازی و بیابانیه ها و اعلامیه به گرمی جشن بگیرند و گرامی بدارند. این روزی است که باید حجاب ها را بر چوب کرد و زیر پا کوبید، روزی است که قوانین و مقررات و فرهنگ زن ستیز و ضد بشری جمهوری اسلامی را به چالش کشید و به تحقیر و نابرابری و خشونت جنسیتی اعتراض کرد. این روزی است تا اتحاد صفوف خود را برای پایان دادن کامل به حجاب و تبعیض و زن ستیزی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری تحکیم بخشیم.

جنبش رهایی زن از همان ابتدا قاطعانه علیه جمهوری اسلامی ایستاد و اکنون نیز در صف اول جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم اسلامی و برای آزادی و برابری قرار دارد. از تظاهرات علیه حجاب در ۸ مارس ۷۹ (۱۷ اسفند ۵۷) تا ایفای نقش پیشتاز در تظاهرات های ۸۸، از شرکت فعال زنان در خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ تا برچوب کردن حجاب - این رکن اقتدار و هویت رژیم اسلامی - توسط دختران خیابان انقلاب، و تا نقش برجسته زنان در اعتصابات و تظاهرات های اخیر کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و رانندگان کامیون و مالباختگان، همه و همه جلوه هایی از حضور قدرتمند زنان در مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای برپایی یک دنیای بهتر است. به هر عرصه زندگی و اعتراض اجتماعی که نگاه کنید، از محیط خانواده و مدرسه و دانشگاه تا تشکیل سازمانهای مردم نهاد علیه مصائب اجتماعی تا حمایت از حیوانات و جنبش حفظ محیط زیست، از موسیقی و فیلم و ادبیات تا ورزش و فعالیت های علمی، از نبرد هرروزه علیه حجاب در خیابانها تا مبارزه علیه جداسازی جنسیتی در دانشگاه و ورزشگاه، از اعتراض به زندان و اعدام و شکنجه گرفته تا مقابله با فرهنگ منحن مردسالار و ارتجاعی، در همه جا زنان در صف مقدم ایستاده اند. اکنون نه فقط جمهوری اسلامی و حجاب و زن ستیزی اش قدم به قدم به عقب رانده میشود بلکه شعار "آزادی زن، آزادی جامعه" که اول بار در تظاهرات ۸ مارس ۵۷ طرح شد به شعور سیاسی بخش های هرچه وسیعتری از جامعه تبدیل میشود. دیگر برهمنه مشهود است "انقلابی که در ایران شکل میگیرد رنگی زنانه دارد".

امسال ۸ مارس روز جهانی زن، برابر با ۱۷ اسفند ۹۷، فرصتی

مردم مبارز کردستان! علیه پرونده سازی و اعترافات تلویزیونی حکومت اسلامی بایستید!

شان، تبدیل شده، باید با اعتراضات جمعی و توده ای برای لغو تمديد قرار بازداشت شدگان سنندج و کامیاران و علیه فشارهای روحی و جسمی برای اقرار تلویزیونی ایستاد و دست بمبارزه پیگیرانه زد.

مردم مبارز کردستان!

جنبش اعتراضی علیه بازداشت و شکنجه و پرونده سازیهای امنیتی را با شرکت مردم و وابستگان دستگیر شدگان سازماندهی کنید. اعتراض های وسیعی علیه کل ماشین سرکوب حکومت اسلامی سرمایه راه افتاده رسوا شده اقرارهای تلویزیونی تکرار شود. با تمام قوا برای آزادی دستگیر شدگان سنندج و کامیاران مبارزه کنید. علیه ماشین سرکوب حکومت مفتخوران سرمایه دار و بساط دزد سالاری اسلامی باید ایستاد.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۳۹۷

۵ فوریه ۲۰۱۹

از يك ماه گذشته ده فعال سیاسی و مدنی در شهرهای سنندج و کامیاران توسط نیروهای امنیتی حکومت اسلامی دستگیر شده اند. قرار بازداشت افراد دستگیر شده يك ماه اعلام شده بود. با سپری شدن قرار بازداشت خبری از آزادی دستگیر شدگان نیست. و در عوض افراد دستگیر شده برای انجام مصاحبه تلویزیونی تحت فشار قرار دارند و قرار بازداشت آنها يك ماه دیگر تمديد شده است.

تمديد قرار بازداشت دستگیر شدگان و تحت فشار گذاشتن آنها برای انجام مصاحبه های تلویزیونی تلاش مذبحانه و شکست خورده حکومت اسلامی علیه زندانیان سیاسی و مردم است.

در شرایطی که دستگاه شکنجه و سرکوب حکومت اسلامی توسط کارگران و فعالین سیاسی از جمله اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بچالش کشیده شده و طرح های اقرارگیری از زندانیان سیاسی و کارگران نزد افکار عمومی در داخل و خارج از ایران به افشاح و رسوایی دیگری برای حکومت اسلامی و دستگاه های امنیتی و رسوا شده

**کارگر، معلم،
پرستار، بازنشسته،
دانشجو
اتحاد، اتحاد**



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

ایسکرا میپرسد: بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن نسرین رمضانعلی پاسخ میدهد



اما زنان در همراه با تحولات جلو آمده اند. شاید بعضی وقتها مقداری مشکل شود ارزیابی از این جنبش وقتی ما دهه ۸۰ را نگاه میکنیم می بینیم مراسمهای بزرگی در شهرهای کردستان به مناسبت روز جهانی زن برگزار میشود. چندین هزار نفر شرکت میکردند. مقاله ها و قطعنامه های تصویب میشود خوانده میشود. علیرغم تمامی تلاش نیروهای سرکوبگر حجابها در کردستان به مناسبتهای مختلف و بخصوص روز جهانی زن سوزانده میشود. در کردستان هر فرصتی که باز میشود سریع شاهد هستیم که مردم چگونه این رادیکالیسم و ضدیت با قوانین اسلامی و ارتجاعی را کنار میزنند.

در دهه ۹۰ اشکال مبارزه زنان در جامعه مقداری متفاوت تر میشود. این تفاوت را در جنگی تمام عیار و هر لحظه در خیابان و دانشگاه؛ محیط کار و مدرسه میشود دید. رژیم کمی سیاست تحمیل حجاب اجباری بر سر زنان سیاست رسمی اش می باشد، به هر تلاش و تقابلی برای تحمیل حجاب دست می زند تا بلکه زنان و جنبش زنان علیه حجاب اجباری، علیه قوانین زن ستیزش را به خیال خود سرکوب بکند. حجاب پاشنه آشیل حکومت بوده و با مقاومت و مبارزه جنبش زنان روبرو شده و عملا مردم در کردستان به حجاب اسلامی این سنبل بی حقوقی و تبعیض نه گفته و آن را نپذیرفته اند.

راهی زنان بود. بعد از گذشت ۴ دهه از انقلاب ۵۷ امروزه زنان درصد بالایی تحصیلات دانشگاهی دارند اما با محرومیتها و محدودیتهای زیادی نیز روبرو هستند که بخشا ریشه در سیاست های ضد زن رژیم و بخشا در مقاومت افکار و عقاید عقب مانده سنتی در جامعه و فرهنگ مرد سالار ریشه دارند.

قانون از یک طرف مردسالارانه است. از طرف دیگر همین قانون محدودیتهای فراوانی را رسمیت بخشید است. برای زنان حق سفر، حق طلاق، حق تحصیل و دهها و صدها حق دیگر که باید به عنوان شهروندان با حقوق برابر در یک جامعه برخوردار باشند؛ وجود ندارد. به طبع در کردستان این محرومیتها نیز بیشتر بوده است.

بخش دیگر از مشکلات زنان را میتوان در عدم ایجاد تشکلهای مستقل زنان نیز بررسی کرد. ما در شهرهای کردستان شاهد بودیم بارها و بارها فعالین این عرصه تلاش داشتند تشکلهای ایجاد کنند که با موانع قانونی و امنیتی روبرو شده اند. بخشا تشکلهای نیمه دولتی و غیر دولتی ایجاد شده است. که همین نیم بند تشکلهای را نیز غیر قانونی اعلام کردند.

شرایط مختص به کردستان و همین که جامعه کردستان یک جامعه تحزب یافته است سریع با هر تجمع و تشکلی نیروهای سرکوبگر برخورد میکنند. احضارها و دستگیری و غیره قانونی کردن جمع شدن و مراسمها تاثیراتی داشته که این جنبش در خود و مستقل نتواند ابراز وجود کند.

در واقع باید گفت انقلاب ۵۷ در یک کلام زنان قدرت و جایگاه خود را بیشتر شناختند. میشود گفت یکشنبه راه چند دهه را به پیش آمدند.

زنان در کردستان از همان روزهای اول ورود خمینی و حکومت اسلامی علیه این حکومت به میدان آمدند.

جمهوری اسلامی که یکی از پایه های اصلی حکومتش را برتحمیل حجاب اجباری اسلامی بر کرده زنان گذاشته بود و با حمله به زنان و اخراجها و تهدیداتش، اوپاش الله، شعار یا روسری یا توسی بجان جنبش زنان جامعه انداخت.

زنان در برابر این تعرضات حکومت عقب ننشستند. در کردستان زنان در تظاهرات علیه حکومت بدون حجاب همچنان علیه قوانین اسلامی و حمله و یورش به کردستان در خیابانها بودند.

بنابراین اگر بخواهم خیلی کوتاه بگویم جمهوری اسلامی خیلی تلاش کرد حجاب این وصله ناجور را به تن جامعه و زنان در کردستان بدوزد که هیچ گاه موفق نشد.

تردید نیست کردستان بدلیل ستم ملی چه در دوران رژیم پهلوی چه بعد از آن نیز به لحاظ اقتصادی توجه زیادی بهش نشده بود. آمار بی سواد در میان زنان در این دوران شدت بالا بود. جمهوری اسلامی تمام تقلا و تلاشش را با تصویب قوانین اسلامی و ارتجاعی؛ با سرکوب و ایجاد محدودیتهای قانونی زمینه رشد جنبش زنان در جامعه را محدود کرده و آنها را روانه خانه هایشان بکند. یورش رژیم به جنبش زنان از اولین تعرضات حکومت برای سرکوب خواست آزادیخواهی مردم ایران بویژه جنبش

نسبت اسفبار بود. اما باید گفت خود انقلاب ۵۷ و نقش و جایگاهی که زنان در این انقلاب ایفا کردند یک شبه راه صد ساله پیموده شد. حضور وسیع و گسترده زنان در تظاهرات و بخصوص نسل جوان اعتماد بنفس و شناخت از موقعیت و جایگاه خود و اینکه زنان چه قدرت و نقشی می توانند در یک انقلاب و یک جامعه داشته باشند؛ مهمتر و برجسته تر شد. بنظر حتی مرزهای تعریف شده مردان خانواده برای زنان شکسته شد. اگر چه خود من ۱۰ سالم بود وقتی میدیدم در تظاهرات چقدر دختران جوان حضور دارند، یا حتی سخنرانی میکنند، مهار این نیروی آگاه به راحتی نه تنها برای مردان خانواده بلکه برای هیچ قانون و حکومتی ممکن نبود. زنان طعم آزادی را چشیده بودند. زنان طعم برابر بودن را چشیده بودند. زنان طعم اینکه در کنار مردها در خیابان شعار بدهند، سخنرانی کنند و نقش ایفا کنند را تجربه کرده و فعالانه وارد فعالیت در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی شده بودند.

زنان آزادی بیشتر، رفاه بیشتر میخواستند، زنان طعم داشتن قدرت را مزه کرده بودند. با کودتایی که علیه انقلاب مردم شد و سرکار آمدن جمهوری اسلامی و اولین تعرض این حکومت ارتجاعی به زنان خیلی طبیعی بود که زنان را راحت نمیتوانستند وادار به عقب نشینی کنند. حضور چشم گیر زنان در این تظاهرات و نقشی که در سالهای اول این قیام زنان در کردستان داشتند، جنبش زنان را گامهای بزرگی به جلو آورد. حضور در تظاهراتها، سخنرانیها، حضور در شوراها دانش آموزی و محله و بنکه ها زنان اعتماد بنفس بیشتری پیدا کردند.

ایسکرا: هشت مارس روز جهانی زن در راه است. زنان طی چهار دهه حاکمیت سیاه اسلامی در ایران مدام مورد تعرض از سوی قوانین اسلامی و حامیان این قوانین بوده اند. از سوی دیگر زنان طی این سالها هیچگاه ساکت ننشسته و این تعرضات را با مبارزه ای هر روزه پاسخ داده اند. در شرایط پر تحول ایندوره پیشینه، نقش و جایگاه مبارزه زنان در شهرهای کردستان برای دست یابی به حقوق انسانی و برابری طلبانه را چگونه ارزیابی می کنید؟

نسرین رمضانعلی: ابتدا باید به

مسئله ای اشاره کنم که بررسی و ارزیابی از ۴ دهه جنبش زنان فکر میکنم کار ساده ای نیست. بالاخره در این چهار دهه ما شاهد افت و خیزهای زیادی بوده ایم.

یک بررسی از جنبش آزادی زن و حکومتی که مبنای حاکمیتش آپارتاید جنسی است، بطور عمومی و در سطح سراسر ایران نیاز به یک پروژه تحقیقاتی در عرصه های مختلف دارد. عرصه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ویژگیهای قبل از قیام ۵۷ و خود انقلاب و نقش زنان و اینکه این انقلاب زنان را به نقش و جایگاهشان آگاهتر کرد. من سعی خواهم کرد به موقعیت زنان در کردستان و مصافهای که این جنبش پیش رو داشته است بپردازم. نقش و جایگاه زنان در سوخت ساز جامعه در عین حال باید به نکته مهمی اشاره کرد ویژگیهای جامعه کردستان است. پدیده ای تحت نام ستم ملی، جامعه ای که در همان سال ۵۷ به نسبت سایر مناطق به لحاظ شهرسازی، مراکز صنعتی و امکانات رفاهی شهروندان جز محرومترین مناطق بود. در همان سالها آمار بیسواد و محرومیت حتی زنان از مدرسه و دانشگاه به

زنده باد بی حجابی!

حجاب اسلامی سند بردگی زن، سند نابرابر بودن زنان و مردان، سند تحقیر و به بند کشیدن زنان و کل جامعه است. پارچه سیاهی است که روی انسانیت زنان میکشد تا نه تنها زنان که کل جامعه را به بند کشند. زمان آن فرا رسیده است که حجاب، این نماد بیحقوقی کل جامعه، را عملا لغو کنیم، بیحجابی را باز هم گسترش دهیم و هر چه وسیعتر در کوچه و خیابان و تجمعات عمومی، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه و ادارت و محل کار و در وسائل نقلیه عمومی و خصوصی بدون حجاب ظاهر شویم و آخرین تلاش ها و مقاومت های جمهوری اسلامی برای حفظ حجاب را درهم شکنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹





نگاه هفته : مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودیانی

ناسیونالیستی را زده است.

هوزانها به قتل میرسد چون در ایران قانونی در حمایت از زنان وجود ندارد.

چون زنان قربانی سنتهای مذهبی میشوند

هوزان خواهشی نوجوان ۱۶ ساله اهل شهرستان دیواندره که پیشتر در آذرماه ۹۷ توسط پدرش مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته بود، وبه سبب شدت جراحات وارده به کما رفته بود، در تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۹۷ جان خود را از دست داد هوزان خواهشی برنده چندین جایزه درایران ودر استان کردستان شده بود.

واین واقعت تلخ سرنوشت هزاران هوزان دیگری است که مورد خشونت قرار میگیرند هوزانها به قتل میرسند چون در ایران قانونی در حمایت از زنان وجود ندارد. چون زنان قربانی سنتهای مذهبی میشوند. کدام قانونی مانع از، دست بلند کردن روی کودکان و زنان میشود؟ در کدام دادگاه جمهوری اسلامی، زن را به عنوان شاهد کامل قبول دارند؟ تا دختران وزنان بتوانند از خود دفاع کنند هوزان به قتل رسید. او قربانی باورهای سنتی، مذهبی شد. دختری که میتوانست فورمول عشق را هم با افتخار به گردنش بیاویزد. به دلیل

داشتن انتخاب و دادن این حق به خودش مورد نکوهش و ضرب و شتم قرار گرفت. آیا برای کشته شدن دلیلی بزرگتر از این که در ایران زن حقی ندارد؟ حق انتخاب ندارد. حق حضانت ندارد و هزاران حقی که از یک زن گرفته اند. آیا به غیر این است که حق زن در حکومت اسلامی خشونت و نادیده شدن است.

حکومت اسلامی مقصر اصلی است!

هر ۷۱ دقیقه یک نفر در جادههای ایران کشته می شود!

دیمن مولودپور دانشجوی رشته مامایی دانشگاه آزاد بناب، اهل شهرستان بوکان در حادثه واژگونی مینی بوس حامل دانشجویان

مطالب صفحات نگاه هفته این شماره ایسکرا (شماره ۹۷۴) متنوع است. اخبار هم در شرایط کنونی متنوع هستند. هر روز یک یا چند اتفاق سیاسی، چند اعتراض و مبارزه علیه حکومت اسلامی، و اخبار تلخ دستگیری و اعدام و قتل ناموسی در صفحات نگاه هفته منتشر میشوند. تا سرنوشتی رژیم حکومت اسلامی ما شاعر ناهنجاری های عمیقاً اجتماعی و مبارزات مردم برای زندگی بهتر هستیم. این شماره نگاه هفته آینه تمام عیار جدال مردم با دولت و سیستم حاکم اسلام سیاسی است.

کشتک کاری هوزان خواهشی توسط پدرش بدلیل مردسالاری و سپس مرگ او برگ سیاه دیگر بکارنامه سراپا ضد زن حکومت اسلامی مردسالار اضافه کرد.

مرگ در جاده های ایران فاجعه بار است. جاده های ناامن بقتلگاه مردم تبدیل شده است. حقوق چند میلیاردی اماکن مذهبی و نهادهای بیت رهبری را اگر صرف ترمیم و بازسازی جاده ها بکنند، از میران فاجعه مرگ در جاده های نا امن بمراتب کم میشود. در رسانه های خبری دستگاه حاکمیت نوشته شده که هر ۷۱ دقیقه یک نفر در جاده های ایران کشته می شوند!

و در ستون نگاه هفته این شماره دو مطلب از میدیای اجتماعی "برای کودکان" در ارتباط با کودکان کار را منعکس کرده ایم. امیدوارم خوانندگان ستون نگاه هفته این دو نوشته را مطالعه کنند.

"هویت من هویت انسانی است" نوشته ای از بهروز بوچانیو پناهانده سیاسی است که سالها تبعیض و ستم دولت استرالیا علیه پناهانندگان را تجربه کرده، و زندگی کرده است. بهروز بوچانی با زبانی گویا شرح حال زندگی و دریافت جایزه ادبی را توضیح داده است. مهمترین موضع بهروز بوچانی این است که او بجای برجسته کردن قومیت و ملیت بر هویت انسانی تاکید کرده و عملاً مشت محکم و ردی به جنبش

در حاشیه جلسه علنی...

از صفحه ۱

یک عرصه مهم در شرایط کنونی مبارزه علنی - تعرضی و کیفرخواستهایی است که علیه امنیتی کردن حضور، فعالین کارگری، معلمان و فعالین زیست محیطی و... در جریان است.

برگزاری جلسه علنی دادگاه مختار زارعی قدم رو بجلو علیه محاکمات مخوف و علیه دستگاه کذب قضایی حکومت اسلامی است. گامی تعرضی توسط مختار زارعی بر بستر فضای تعرضی و کیفرخواستهایی است که علیه دستگیری ها و شکنجه در جریان است.

باید از این اقدام جسورانه مختار زارعی استقبال کرد، این پیشروی را تبدیل به کارزار تعرضی برای آزادی فوری تمام دستگیر شدگان کرد. فراخوان ما این است خانواده های دستگیر شدگان با برپایی تجمع و جمع آوری امضا برای آزادی فرزندان شان و درخواست علنی بودن محاکمات آنها دست به اقدام جمعی بزنند.

در ارتباط با جلسه دادگاه علنی مختار زارعی، این جلسه علنی باید با تمهید و آسان سازی بدور از فضای امنیتی و پلیسی انجام شود. مختار زارعی باید اجازه داشته باشد از آزادی بیان، فعالیت های سیاسی و صنفی از خود دفاع کند. باید بدور از هر نوع تهدید در ارتباط با اتهامات واهی و احکام دادگاه سنندج کیفرخواستش را بیان کند. دلائل نا حق بودن دستگیری و احکام کذابی قوه قضائیه و دادگاه ها را برملا کند.

در جلسه علنی مختار زارعی، خانواده های دستگیر شدگان باید بتوانند حضور داشته باشند. باید امکان دخالت داشته باشند، که علیه سیاست امنیتی کردن فعالیت فعالین اجتماعی، معلمان و کارگران و طرفداران زیست محیط صحبت کنند و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شوند.

مختار زارعی باید در مصونیت قضایی قرار گیرد

۱۴ بهمن ۱۳۹۷

۳ فوریه ۲۰۱۹

استاد قادر در مرحله بازپرسی به دوشنبه ۱۵ بهمن ماه موکول شد که این دو زندانی سیاسی یعنی هوشمند علیپور و محمداسد قادر باید همراه با وکیل انتخابی خود، علی ساکنی در دادگاه حضور پیدا کنند و به احتمال زیاد بعد از این بازپرسی پرونده آنها روانه دادگاه انقلاب شهر سنندج می شود.

کمپین نجات هوشمند علی پور
۱۱ بهمن ۱۳۹۷

گزارش جلسه ی هفتگی
"برای کودکان" - پیرانشهر -
یکشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۷

خوانش و نقد بررسی داستان
نوشته شده برای کودکان،

شانزدهم دی ماه سال ۹۷، شعبه دوم دادگاه انقلاب سنندج حکم سه سال حبس تعزیری را به صورت غیابی برای مختار زارعی صادر کرد.

مختار زارعی به اتهام "توهین به رهبر حکومت ایران" به دو سال حبس تعزیری و به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یکسال حبس تعزیری محکوم شده است.

درخواست برگزاری دادگاه علنی توسط مختار زارعی اقدامی رو بجلو و در ادامه کبفرخواستهایی است که در چند ماه گذشته توسط اسماعیل بخشی و سپیده قلیان استارت زده شده است. ادامه مبارزه و کیفرخواستی است که توسط عظیم زاده و عبیدی در سال ۱۳۹۵ علیه امنیتی کردن فعالیت فعالین معلمان و کارگران اعلام شده بود.

هم اکنون در سطح سراسری و در کردستان صدها نفر از فعالین اجتماعی و سیاسی و مدافعین حقوق زنان، کودکان، معلمان، دانشجویان و کارگران توسط نهادهای سرکوب از اطلاعات تا سپاه پاسداران دستگیر و در زندانهای مختلفی بگروگان گرفته شده اند.

در چند ماه گذشته در کردستان بیش از ۱۰۰ نفر از فعالین عرصه های مختلف دستگیر شده اند.

دستگیری های دور اخیر به منظور جلوگیری و عدم دخالتگری فعالین اجتماعی و کارگری صورت میگیرد. این دستگیری ها برای مرعوب کردن مردم و کارگران و فعالین اعتراضات، انجام شده. جنبش کارگری و مردم برای گرفتن و دستیابی به ابتدایی ترین حقوق هایشان در ابعادی گسترده در سه سال گذشته بمیدان آمده اند. مردم و کارگران یاد گرفته اند که در صورت عدم حضور سنگنویان و فعالین اعتراضات، مبارزه را ادامه دهند و هم اکنون در بخشهای زیادی از مراکز تولیدی و کارگری در میان معلمان و بازنشسته ها و دانشجویان اعتراضات کوبنده در جریان است. جامعه از حالت و فضای دینامیک و فعال نیفتاده و جنبشی وسیع و سیاسی علیه حکومت اسلامی در جریان است.

حوادث جاده ای وجود داشته است. به نقل از سازمان پزشکی قانونی، در سال ۱۳۹۶، ۱۶ هزار و ۲۰۱ نفر در حوادث رانندگی ترافیکی کشته شده اند، این تعداد نسبت به سال قبل از آن ۱۰۷ درصد افزایش یافته است.

کمپین نجات هوشمند علی پور

چهارشنبه تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۷ قرار بازداشت هوشمند علی پور و محمد استاد قادر از طرف بازپرسی اداره اطلاعات شهر سنندج برای یکماه دیگر تمدید شد.

رسیدگی به پرونده هوشمند علی پور و محمد استاد قادر و آخرین دفاعیات هوشمند علی پور و محمد

پرستاری دانشگاه آزاد واحد بناب در جاده بناب-ملکان در روز دوشنبه ۸ بهمن بر اثر مصدومیت و شدت جراحات در بیمارستان درگذشت.

جاده های نا امن سالانه جان هزاران نفر را میگیرد. در سال ۱۳۹۵ چهار میلیون و ۵۹۱ هزار و ۳۰۷ نفر بر اثر حوادث رانندگی مجروح، مصدوم و معلول شده اند. <<متأسفانه ۱۶ هزار نفر جان خود را در این حوادث از دست داده اند. در سال ۹۶ در تعدادی از استانها تصادف های جاده ای کاهش کمی داشته و در تعدادی از استانها از جمله استان خراسان شمالی و پس از آن کرمان و استان گلستان بیشترین افزایش تلفات

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



یک زن جوان در بوکان بدلیل قصور پزشکی جانش را از دست داد روز شنبه سیزدهم بهمن ماه، یک زن جوان به نام دلنیا سلیمی ۲۰ ساله اهل روستای تورجان از توابع بوکان به دلیل قصور پزشکی در بیمارستان الزهرا تبریز جان خود را از دست داد.

این زن جوان که دو ماه پیش تشکیل زندگی داده بود، جهت درمان درد معده به بیمارستان الزهرا تبریز مراجعه که به دلیل تزریق اشتباهی آمپول توسط پزشک معالج جان خود را از دست داده است.

پروین محمدی با قرار بازداشت موقت یکماه روانه زندان کجویی کرج شد

صبح روز پنجشنبه ۱۱ بهمن ماه ۹۷، در دادسرای فردیس کرج پس از کش و قوس هایی در میان شعبه های دادگاههای مختلف، سند وثیقه سیصد میلیون کی با ساعت ۸ صبح آماده شده بود نپذیرفتند و برای پروین محمد قرار بازداشت موقت یکماه صادر شد وی به زندان کجویی کرج منتقل و هم اکنون در این زندان می باشد. اخبار تکمیلی چگونگی مراحل دادگاه امروز پروین محمدی متعاقبا اطلاع رسانی خواهد شد.

منبع خبر:

اتحادیه آزاد کارگران ایران

سمپوزیوم جهانی علیه حجاب! نامه م. سرکش از ایران!

روز جهانی زن ۲۰۱۹، چهل سال بعد از قدرت گرفتن جنبش اسلامی در ایران و چهل سال مبارزه جانانه زنان علیه این حکومت، روز مهمی است. ما به استقبال این روز میرویم و با مجموعه برنامه هایی خواهیم کوشید صدای زنان ایران را در دنیا منعکس کنیم.

در شهر کلن در آلمان، روز هشت مارس کنفرانسی سازمان داده ایم با عنوان سمپوزیوم جهانی علیه حجاب و از کارشناسان و صاحب نظران و همچنین از فعالین مدافع حقوق زن دعوت خواهیم کرد در این نشست ما را همراهی کنند. از همه

مهمتر اما زنان از ایران هستند که باید حرف دلشان را بزنند. این یک فراخوان است به شما زنان که بنویسید و یا ویدئو کلیپ برای ما بفرستید تا در نهایت در این سمپوزیوم آنها را نشان دهیم. از امروز البته سعی میکنم نامه هایی که بدستم میرسد و یا کلیپها را نیز در اینجا علنی کنم. ممنون از م. سرکش از ایران که اولین نامه را فرستاد!

از صفحه مینا احدی

برای روز جهانی زنان و کنفرانس سمپوزیوم جهانی علیه حجاب

اجبار حکومتی حجاب به هیچ وجه صرفا یک واکنش و محدودیت مذهبی برای زنان ایرانی نبوده که از سوی متعصبان مذهبی اعمال شود. بلکه این پوشش سر یک سربوشی زنانه است که قدرت انقلابی و هوش هیجانی زن را مورد حمله قرار می دهد. زنی که حق انتخاب رنگ و نوع لباس خود را ندارد زنی که دائما در پی رفع اتهام فحشا و فساد است، زنی که حتی در صورت تخطی جزئی از اجبار حجاب از شرکت در مناصب مهم دولتی و جایگاههای قدرت، بی توجه به توانمندی و شایستگیهایش محروم می شود، زنی که شکنجه و زندانی و توهین شنیدن او در جامعه به دلیل کم حاجایی که هیچ آسیبی به کسی نزده، شرعی و قانونی شمرده می شود، زنی که از دانشگاه اخراج می شود چون حجابش منطبق بر چهارچوبهای حکومتی نیست، زنی که اگر به او تجاوز شود و یا اسید در صورتش ریخته میشود بجای گرفتن حقتش باید بشوند که پوشش ات مناسب نبوده، زنی که تصویر کم حجابش مانند یک تابو و حرام حتی به عنوان یک مصاحبه شونده تلویزیونی در رسانه عمومی پخش نمی شود، زنی که اگر از شوهرش شاکی شود در دادگاه به علت کتک خوردن و شوهر بگوید او بی حجاب است و به این دلیل کتک خورده قاضی او را متهم میکند، زنی که اگر عکسهای بدون حجاب در اینستاگرام شخصی اش

پخش کند ممنوع تصویر میشود در فیلمها، زنیکه بدنش صدایش حضور پرانژی اش، در هر محفلی حرام و باعث گناه و فساد است.... این زن یک موجود تخریب شده، افسرده، خسته، خودکم بین و ظلم پذیر خواهد شد. و این یک استراتژی هدفمند است با توجیه مذهبی. درود به زنانی که در چنین فضای مسمومی هنوز برای آزادی و تفکر و بدست آوردن جایگاه انسانی خویش می جنگند

بازداشت رضوان خان بیگی همسر زندانی سیاسی بهفر لاله زاری

رضوان خان بیگی همسر بهفر لاله زاری با حداقل ۲ نفر دیگر اواخر دی ماه دستگیر شدند ولی از محل نگهداری و همچنین هویت و سرنوشت همراهان وی متأسفانه اطلاعاتی در دسترس نیست.

اتهامات رضوان بیگی به تبلیغ علیه نظام عنوان شده که توسط بازپرس شعبه ۲ دادرسی اوین به وی تفهیم اتهام شد. قابل ذکر است که دادگاه از قبول وثیقه خود داری کرده است و تمديد بدون تاریخ بازداشت اقدام نموده و صدور کیفرخواست (درخواست مجازات) محکوم شده و پرونده مشترکشان به دادگاه انقلاب ارسال شد. رضوان خان بیگی در حال حاضر در بند نسوان اوین زندانی میباشد

وضعیت بد جسمی شکوفه پیداللهی در زندان

شکوفه پیداللهی زن درویشی که در گلستان هفتم دچار ضربه مغزی شده بود در زندان قدرت تکلم خود را از دست داده است. علاوه بر آن، این زندانی عقیدتی در زندان قرچک به دلیل استنشاق دود مواد مخدر و هوای آلوده دچار سردردهای مزمن، ضعف و بی حالی شده است تا حدی که به گفته هم بنديانش قدرت تکلم خود را از دست داده است.

تداوم بی خبری از وضعیت سپیده قلیان:

بنا بر گزارشات خانم قلیان در چند روز گذشته هیچ تماسی با خانواده نداشته و نزدیکان وی از سلامت سپیده قلیان و مکان نگهداری او بی خبر هستند.

به گفته دادیار شعبه یکم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان شوش، "سپیده قلیان تحت بازجویی و تحقیقات می باشد" این در صورتی

است که سپیده قلیان در بازداشت قبلی نیز به مدت یک ماه تحت تحقیقات و بازجویی های شدید بوده است و ادامه این بازجویی ها دلیلی جز شکنجه روانی زندانی ندارد خانواده سپیده قلیان که به شدت نگران سلامت جانی وی هستند، در روزهای گذشته مراجعهای مکرری به دادستانی شوش داشتند اما با بی توجهی، عدم پاسخگویی دادیار مواجه شدند و اجازه ورود آنان را به دفتر دادستانی نمی دادند. صبح روز ۱۴ بهمن ماه پدر سپیده قلیان پس از دوندگی های فراوان موفق به ورود به دفتر دادستان شوش می شود اما در پاسخ به وضعیت سپیده قلیان می گویند در حین تحقیقات هستیم، فعلا ملاقات مقدور نیست. سپیده قلیان پس از بازداشت مجدد تحت فشارهای شدید امنیتی است و بر خلاف قوانین حقوق زندانیان وی از ملاقات هفتگی با نزدیکان و ملاقات با وکیل خود دارد.

من یک زن هستم، در زندانی به وسعت ایران من هم شکنجه شدم

اعلام دادخواهی و کیفرخواست زنان ایران علیه چهل سال شکنجه، بی حقوقی، آزار و اذیت جسمی و روانی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده حکومتی و اسماعیل بخشی، شجاعانه و جسورانه از شکنجه هایی که در زندان جمهوری اسلامی شده بود پرده برداشت و دست به اقدامی زد که نه فقط به کیفرخواست و دادخواهی کارگران بلکه به جنبش دادخواهی و کیفرخواست عموم مردم ستمدیده ایران و زنان قوت بخشید.

حال من یک زن "اعلام میکنم که در زندانی که چهل سال است جمهوری اسلامی برای جامعه ایران بخصوص زنان ایران ساخته است، من هم شکنجه شدم ...

با کشیدن حجاب بر سرم به داخل یک سلول انفرادی فرستاده و شکنجه شدم ...

به دلیل ایجاد رعب و وحشت در خیابانها، آزارهای خیابانی و شکنجه های روحی و روانی، با کوبیدن حجاب توسط پوژر اکبر گنجی ها به سرم، و پرتاب سوزن ته گرد به صورتم توسط پاسدارهای موتور سوار، و ضرب و شتم ها توسط گشت های ارشاد و آمرین به معروف

و ناهیان از منکر و بسیجی ها شکنجه شدم...

به دلیل فتنه انگاشتن من به عنوان یک زن بر اساس آیات قرآنی و هرزه خواندن من و جدا کردنم از مردان شکنجه شدم...

به دلیل زیرپا گذاشتن هویت انسانی ام بعنوان یک انسان آزاد و مستقل، بدلیل جنس دوم شمردن و کالا انگاری من، بدلیل سلب اختیار از من و گرفتن حق انتخاب در سبک زندگی، رابطه جنسی، گرایش جنسی و روابط شخصی و اجتماعی شکنجه شدم...

به دلیل ازدواج اجباری، ازدواج زیر سن و کودک همسری شکنجه شدم...

به دلیل خرید و فروش و قیمت گذاری من با مهریه و شیریه و تحقیر من با نفقه شکنجه شدم...

به دلیل الزام به تمکین به شوهر، و قانونی بودن تجاوز شوهرم به من، برای ارضاء نیاز جنسی اش شکنجه شدم...

به دلیل نداشتن حق طلاق و حق حضانت فرزندم شکنجه شدم... به دلیل اینکه شوهرم ایرانی نبود و فرزندم را بی هویت و بی شناسنامه خواندند شکنجه شدم...

به دلیل محرومیت از حضور در اماکن عمومی همچون استادیومهای ورزشی، محرومیت از اشتغال و تحصیل و فعالیتهای اجتماعی، ورزشی، هنری و فرهنگی و سفر شکنجه شدم...

به دلیل عدم حق شهادت و قضاوت شکنجه شدم...

به دلیل جنسیت، نیمی از ارث بردم و شکنجه شدم...

در زندان با فحش های رکیک و جنسی، با تهدید و کابوس تجاوز شکنجه شدم...

برای آزادی فرزندم دریندم، مورد توهین و تحقیر و ضرب و شتم قرار گرفتم و شکنجه شدم...

با خطبه های زن ستیزانه امامان جمعه و تحریک به اسیدپاشی به صورت زنان و فرو کردن چاقو به باسن زنان شکنجه شدم...

بدلیل ترنس یا همجنسگرا بودم زیر شلاق و زیر تجاوز گروهی وابستگان حکومت شکنجه شدم...

بدلیل رابطه خارج از ازدواج سنگسار شدم و یا با کابوس سنگسار شکنجه شدم ...

من ندا آقا سلطان برای حق

باز هم "شاهزاده"

چرا او را رضا پهلوی خطاب نمیکنم؟ به این خاطر که هیچگاه اعتراضی به این لقب نداشته و علاقه وافری به رگه ژنتیکی بابا دارد. اگر روی پاهای خودش با اسم و رسم خود بعنوان یک فرد و یک شهروند متکی میبود لابد رسماً اعلام میکرد که او را شاهزاده خطاب نکنند. از این رو او را از این علاقه عشیره‌ای و طایفه‌ای محروم نمیکنم و اجازه بدهید او را زاده شاه آنهم از دنده زینگی پدر خطاب کنم که الحق تنها برانزنده شاهان، سنتهای مردسالار، اسلام و امام زاده‌ها است. ملکه زاده نزد طوایف شاهانه مردسالار و بطریق اولی نزد دسته جات اسلامی قدغن است. این هم متأثر از نگاه آنان نسبت به نقش و جایگاه زن در جامعه است.

در ماههای اخیر شاهزاده متوجه فضای سیاسی چپ و سوسیالیسم خواهی کارگر، زن، جوان، بازنشسته، معلم و همه بستوه آمده‌ها در جامعه ایران شده است.

او هم همانند پدر صدای انقلاب مردم ایران را از دی ماه ۹۶ به این سو شنیده است با این تفاوت که پدر چهل سال قبل صدای انقلاب مردم را شنید و در هراس از عروج کمونیسم و سوسیالیسم سکان امور را به پدیده ای بنام خمینی و دارو دسته اش که برای مزاحمت در مقابل کمونیسم سالها در پستوهای مساجد و حسینیه‌ها خابانده بود تحویل داد. اما شاهزاده از یک سال قبل بویژه در ماههای اخیر صدای پای انقلاب دوم را شنیده است.

گویا در هر خیزشی از پایین توسط کارگر و مردم ستم دیده برای یک زندگی انسانی باید هر بار بازماندگان ژنهای سلطنت و اسلام کدورت‌هایشان را با به خون کشیدن انقلاب مردم برای حفظ وضع کهنه از خود بروز دهند. هنوز هیچی نشده شاهزاده دارد علیه کمونیسم خط و نشان میکشد. عجیب هم نیست چون خط و نشان کشیدن علیه کمونیسم و کارگر هم در دنیای آن امری ژنتیکی است. اسلام و سلطنت قبل و بعد از مشروطیت تا به امروز این وجه مشترک علیه کمونیسم و کارگر را در خود نهفته داشته و دارند. او به اعتبار یک فرد که خواهد به وجود حکومت اسلامی در تباهی زندگی

مردم معترض باشد نیست بلکه با یک کشیدن بند ناف خود که گویا از پدر زاده شده میخواهد بار دیگر تباهی را برای مردم به ارمغان بیاورد.

اما شاهزاده اینبار از این اقبال برخوردار نخواهد بود. بی بی سی، س ان ان و دیگر رسانه های مهندسی افکار دهه ۵۰ و ۶۰ جای خود را به ارتباطات جهانی، اینترنت، میدیای متعدد و متنوع اجتماعی داده اند. به این سادگی نمیتوان نوفل لوشاتو نوع دوم و اینبار توسط سرنگون شده ها راه اندازی کرد.

شاهزاده که از نوجوانی "تحصیل کرده" فرنگستان بوده است باید بداند که عصر فئودالی و ارباب و رعیتی شاهانه و سلطنت نزدیک به یک قرن است که دوره اش تمام شده و تعلقی به مدنیت و مدرنیسم دنیای امروز ندارد. از آنسو اسلام و اسلام سیاسی با مافیای اقتصادی اش هم آبرویخته تر از هر دورانی توسط خیزش انقلابی در ایران دارد شرش از سر کارگر، کمونیستها و کل جامعه کنده میشود و به تاریخ میپیوندد.

شاهزاده میدانند که ۳۴ سال نه زیر سایه درخت سیب بلکه در سایه باغهای انگور صبر و تحمل پیشه کرد تا بلکه اطرافیان دور و نزدیک با اسامی مختلف بتوانند در یک سربزنگا و یک تحول سیاسی او را روی شانه هایشان وارد کاخ پدری اش کنند اما نه تنها نتوانستند کاری از پیش ببرند بلکه عطف توجه اطرافیان و پیروانش به رونق تجاری و کسب سود و سرمایه در غربت مجالی برای این مجاهدت را باقی نگذاشت و آرزوی او برآورده نشد. حال شال و کلاه کرده اند تا با سرهم بندی کردن "فرشگرد" کلاغی را به نرخ طوطی به بازار عرضه کنند.

نظام سلطنت و ارباب و رعیتی با ساواک، و شکوفایی رونق سرمایه داری ورژن شاهی برای کشیدن تسمه از گرده کارگر از یک سو و از سوی دیگر به قهقرا بردن جامعه ای هشتاد میلیونی توسط مافیای وحش اسلامی، خارج از اندازه و قواره خود امتحانشان را پس داده اند تا جاییکه که بوی گند هر دو نظام مشام هر انسان آزاده و شرافتمندی را می آزد. چهل سال قبل مردم انقلابی به امید یک زندگی بهتر یکبار نظام شاهی را بر زمین

کوبیدند. علیرغم اینکه خمینی و دارودسته اش سایه شوم خود را بر انقلاب مردم پهن کردند اما در فردای پایان دادن به این سایه شوم و متعفن اسلامی، کسی در آرزوی دست یابی به کالای دورانداخته شده نیم قرن گذشته نخواهد بود چرا که کارگر، زن، جوان، کودک و کل جامعه ایران عمیقاً شایسته بهترینها هستند.

انقلاب پیش رو مهر کارگر و کمونیسم را بر خود خواهد داشت و با لغو استثمار، میخواهد آزادی و برابری را بیاورد و حرمت و کرامت انسانی را را به جامعه بازگرداند.

۱۱ بهمن ۹۷

۳۱ ژانویه ۲۰۱۹

بنی صدر: شورا پورا مالیده

بنی صدر از نزدیکان خمینی و اولین رئیس جمهور حکومت اسلامی در گفتگو با رادیو فردا و بمناسبت سالروز آمدن خمینی به ایران میگوید:

به خمینی گفتم مگر قرار نبود که با بازگشت به ایران شوراهای قدرت را بدست بگیرند؟ اما آقایان و روحانیت این اصل را زیر پا گذاشتند."

او ادامه میدهد و میگوید: که "این اظهارات را در کتابش بنام "کتاب انقلاب" نوشته است و از عکس گرفتن با خمینی دوری میکردم". (نقل به معنی)

اگر کتاب بنی صدر در مورد شوراهای مملو از تحریف حقایق است اما حافظه تاریخی، اسناد و سخنرانی‌های آندوره بنی صدر دست نسل امروز موجود است و همه میدانند که اولین رئیس جمهور خمینی و حکومت اسلامی در روز روشن دروغ میگوید.

حکم بنی صدر علیه شوراهای کارگری، که با تلاش سازمانهای چپ و کمونیست در میان کارگران ایجاد شده بود اظهارمن الشمس است.

گفته معروف بنی صدر مبنی بر "شوراپورا مالیده" در تاریخ ثبت شده است.

بنظر میرسد بنی صدر دچار عذاب وجدان شده باشد که هر بار به مناسبتی و بدلیل بیرون انداختن او از دایره دارودسته خمینی و برای "اعاده حیثیت" از خود بگوید: "قرار بود شوراهای قدرت را

یادداشت‌های هفته

عبدل گلپریان



بدست بگیرند نه روحانیت؟! "

بارها نیز مدعی شده است که او یعنی بنی صدر در دوران ریاست جمهوری در فرمان حمله مشترک با خمینی به کردستان نگفته است که "ارتش و سپاه تا سرکوبی غائله کردستان پوتین از پا در نیاروند."

بنی صدر راست میگوید. او این حرف را در دوران ریاست جمهوری اش زده بود اما وقتی کمی او را خراش میدهی و یا به اسناد رجوع میدهی میگوید: "این فرمان را زمانی که عضو شورای انقلاب بودم صادر کردم نه در دوره ریاست جمهوری."

شگردهای اسلامی طیف ملی مذهبی در عین گمراه کنندگی اما بشدت ناشیانه است.

ما هم از بنی صدر می پذیریم که "ارتش و سپاه پوتین ها را تا ختم غائله کردستان از پا در نیاروند" فرمان دوران ریاست جمهوری او نبوده است بلکه این فرمان را در دوران عضویتش در شورای انقلاب صادر کرده است. آیا این توجیحات اسلامی ذره ای از صدور حکم سرکوب و بخاک و خون کشیدن شهرها، روستاها و زندگی مردم کردستان توسط فرمان او و حمایت خمینی کم میکند؟ ابدا.

بنی صدر علیه شوراهای کارگری بود و حکم داد که "شوراپورا مالیده" اما در کتابش و در مصاحبه های امروزش در توجیه این عذاب وجدان، خود را "مدافع شوراهای" و بدون اینکه بگوید منظور شوراهای اسلامی بوده است معرفی میکند.

بنی صدر که زیرعبای خمینی تعلیم دید میتواند در دفاع از سخنانش مبنی بر "طرفداری از شوراهای" باز هم دروغ سرهمبندی کند و بگوید، منظور شوراهای اسلامی بوده نه شوراهای کارگری.

انقلاب پیش رواجده نخواهد داد که این پدیده های عجیب و بی ربط به زندگی انسانی بار دیگر همچون

خوره بجان مردم بیافتند.

۱۲ بهمن ۹۷

بازداشت و شکنجه سند درماندگی رژیم اسلامی

بازداشت جعفر عظیم زاده و پروین محمدی در ادامه دستپاچگی رژیم در وحشت از خیزش جنبش کارگری است حکومت درمانده و به آخر خط رسیده اسلامی با دستگیری فعالین کارگری بخیمال خود میخواهد این جنبش و اعتراضات اجتماعی را ساکت کند اما گور خود را عمیقتر میکند.

دست و پا زدنهای وزارت اطلاعات و دستگاه قضایی اسلامی با دستگیری مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان وحشت و هراس خود را از جنبش اعتراضی و اعتصابات کارگری بیش از پیش بنمایش گذاشتند.

بازداشت جعفر عظیم زاده و پروین محمدی نیز در راستای تداوم همین هراس و درماندگی کاردستان حکومت اسلامی است.

جمهوری اسلامی جنازه ای مرده و گندیده است که فقط بحکم چنگ و دندان نشان دادن و زندان و تهدید تا هم اکنون توانسته است سرپا بایستد. هر مورد از دستگیری و بازداشت فعالین و چهره های خوشنام و سرشناس کارگری و اجتماعی، یعنی کوبیدن میخ دیگری بر تابوت مافیای اسلامی.

اعتراضات و اعتصابات سراسری کارگری و اعتراضات عمومی مردم ابزارهای زنگ زده سرکوب آنان را برسرشان خراب خواهند کرد.

با اعتصابات سراسری و با تجمعات سازمانیافته و متحدانه میتوانیم اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، پروین محمدی، جعفر عظیم زاده، علی نجاتی، اسماعیل عبدی و دیگر فعالین کارگری، معلمان و همه زندانیان سیاسی را از زندانهای حکومت اسلامی آزاد کنیم.

۱۰ بهمن ۹۷

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

اخبار و گزارشات ...

از صفحه ۵

خواهی در کف خیابان کشته شدم...

برای درس عبرت اعدام شدم یا با کابوس اعدام شکنجه شدم...

زیر شکنجه ها در زندان به قتل رسیدم... من زهرا بنی یعقوب در بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر شهر همدان زیر نظر بسیج زیر شکنجه و کشته شدم، من زهرا کاظمی در زندان زیر شکنجه کشته شدم... من ترانه موسوی، بعد از شکنجه و تجاوز جنسی، کشته و سوزانده شدم... به دلیل تعرض ها و تجاوزهای گروهی وابستگان حکومت در کوچه و خیابانها و بازداشتگاهها و زندانها و دفاتر کارشان به من شکنجه شدم... من ریحانه جباری در مقابل تجاوز جنسی از خودم دفاع کردم و اعدام شدم، من زهرا نوید پور در مقابل تجاوز جنسی دادخواهی کردم و خودکشی شدم... بدینوسیله ما زنان و امضا کنندگان این نامه، برای چهاردهه خشونت، جنایت و شکنجه سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام شکنجه، خشونت و جنایت سازماندهی شده حکومتی علیه زنان اعلام دادخواهی و کیفرخواست کرده و خواهان محاکمه تک تک آمرین و عاملین چهار دهه زن ستیزی در ایران، در دادگاههای علنی و عادلانه بین المللی با نظارت مجامع مدافع حقوق انسانی هستیم. مردم ایران، زنان ایران شایسته یک زندگی انسانی و یک جامعه آزاد و برابر و سکولار هستند و برای همین آرمان، در یک جدال طبقاتی و روزمره با وضعیت موجود و مسببین آن به مبارزه خود ادامه میدهند. لذا ما با مطرح کردن کیفرخواست زنان که برخاسته از دل جنبش نوین رهایی زن و از مختصات یک انقلاب زنانه جاری در ایران است، با تمام قوا خواهان پایان دادن به بساط تحقیر و ظلم و ستم و شکنجه و خشونت و جنایت و بیحقوقی زنان و این چرخه زن ستیزی هستیم.

فراخوان دهنده گان:

- ۱ شیرین شمس - از مسئولین انقلاب زنانه
 - ۲ شیدا بابایی - فعال مدنی
 - ۳ شعله پاکروان - مادر ریحانه جباری
 - ۴ مینا احدی - فعال حقوق انسانی، فعال حقوق زنان
 - ۵ شاپرک شجری زاده - از دختران خیابان انقلاب
 - ۶ شهناز اکملی - مادر مصطفی کریم بیگی کشته شده شش دی ۸۸
 - ۷ معصومه نعمتی - مادر آتنا دائمی زندانی سیاسی
 - ۸ حسین دائمی - پدر آتنا دائمی
 - ۹ لیلیا میرغفاری - فعال حقوق زنان
 - ۱۰ شهین مهین فر - مادر امیر ارشد تاجمیر کشته شده شش دی ۸۸
 - ۱۱ شیوا گنجی - روزنامه نگار و فعال حقوق زنان
 - ۱۲ مهتاب قربانی - نویسنده و شاعر و فعال حقوق بشر
 - ۱۳ شیوا محبوبی - فعال حقوق زنان و سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
 - ۱۴ مرسله قانلی - از فعالین جنبش دادخواهی و ایران تریبونال
 - ۱۵ سکینه باقری - از کمپین من هم شکنجه شدم
- ۱۸ دی ۹۷
۸ ژانویه ۲۰۱۹



از صفحه ۴

نگاه هفته مجموعه اخبار و ...

"خورشید کوچولو" اثر محمد مردانی افضل (داستان نویس) ارائه بحشی تحت عنوان "افسردگی دوران بارداری و پس از زایمان" از سوی شایسته احمدی کیان (کارشناس روانشناسی عمومی) جلسات هفتگی "برای کودکان" روزهای یکشنبه ۴ تا ۳۰/۵ عصر در کافه کتاب اندیشه ی پیرانشهر برگزار خواهد شد. حضور برای همه ی علاقمندان به حوزه ی مسایل کودکان آزاد است.

ازدواج دختران "زیر ۱۸ سال"، ۱۷ درصد از کل ازدواج های کشور

یک پژوهشگر اجتماعی با استناد بر پژوهش های صورت گرفته می گوید: «۱۷ درصد از ازدواج های کشور مربوط به دختران زیر ۱۸ سال است و ۱۴ هزار کودک جدا شده زیر ۱۸ سال در کشور وجود دارد». بر اساس آمار ارائه شده توسط کامیل احمدی، ۳۹ هزار و ۶۰۹ نفر (۵/۴ درصد) از کودکانی که در سال ۹۰ ازدواج کرده اند ۱۰ تا ۱۴ سال سن داشته اند.

در سال ۹۴، ۹۷ هزار و ۸۶۲ نوزاد از مادران زیر ۱۹ سال متولد شده اند که از این میان، ۱۵۱۱ نفر از مادران زیر ۱۵ سال سن داشتند. بر اساس آخرین سرشماری ها، ۹۵ هزار مورد طلاق زیر ۱۹ سال در فاصله سالهای ۹۰ تا ۹۴ رخ داده است و فقط در سال ۹۴، ۱۲۰۰ کودک زیر ۱۴ سال به آمار کودکان مطلقه کشور افزوده شدند و ۱۴ هزار کودک جدا شده زیر ۱۸ سال در کشور وجود دارد.

مسئله کودکان کار
مطالبه طبقه کارگر است!
حقوق کودکان کار جهان شمول است.

امیرحسین محمدی فرد
مسئله کودکان کار مطالبه ی طبقه کارگر است!
درحاشیه طرح برخورد با کودکان کار و خیابان
امیرحسین محمدی فرد
بخش: ۱ از ۳

آسیب دیدگان جدا افتاده از جامعه، در سطح شهر «جمع آوری» و «پاک» خواهند شد! در متن اجرای این طرح در شهر کرمانشاه، برای مقابله با حضور بچه های کار در خیابان ها، موسی سر کودکان را تراشیدند!

دولت مسولیت پذیر نیست! طی سالیان گذشته، دولت های مختلف بورژوازی ایران و نهادهای مربوطه، مدام از عهده دار شدن مسولیت رسیدگی به وضعیت غیر انسانی بچه های کار و خیابان شانه خالی کردند. امروز هم با طرحی «تکراری» و با استفاده از زور می خواهند یکباره کودکان را جمع آوری و در مراکز نا مشخص نگهداری کنند. محل هایی که معلوم نیست طبق کدام استانداردهای کیفی و کمی دایر شده اند. در ثانی برخی از مقامات دولتی هم اعتراف کردند که چنین طرحی «ناکارآمد» خواهد بود. «جمع آوری کودکان کار و خیابان از سرچهارراهها، سبب حضور آنان در کارگاه های زیرزمینی و فعالیت کودکان در این کارگاهها شده که حضور در آنجا نیز با آزار و اذیت جنسی همراه است.»

۱. روشن است که چنین طرحی برای سامان دادن به زندگی طاقت فرسای این کودکان در نظر گرفته نشده است.

امروز کار کودکان را در زمینه های مختلف می توان دید. استثمار این قشر از طبقه کارگر را به مفروضات عادی جامعه امروز ایران تبدیل کرده اند. دولت موظف است که امکانات مالی و رفاهی، بهداشتی و پزشکی، تفریح و خوراک هر بچه ای که در جامعه به دنیا می آید را تامین کند. دولت ها مسول تامین شرایط مناسب زندگی برای کودکان کار، فارغ از اقتصاد و سیاست و به عنوان یک پدیده مستقل از فعل و انفعالات جامعه اند.

بخش ۳ از ۳
کار و استثمار طبقه کارگر
مقولای ویژه برای "ملیت ایرانی" نیست. کار کودک همانند بردگی
صفحه ۸

کودکان کار به عنوان یکی از محروم ترین و بی حقوق ترین بخش های جامعه محسوب می شوند. قربانیان خاموش اجتماع نابرابری که از بچه ها، در سنین خیلی پایین، به هزاران شیوه بهره کشی میکنند. و مورد سوء استفاده قرار می گیرند. واضح است که نظام سرمایه داری و سیستم اقتصادی و اجتماعی بخش وسیعی از دنیا، بر اساس سود جویی اقلیتی کوچک بنا شده است. مطمئنا ریشهی تمام بی حقوقی ها، فقر، بیکاری، جنگ و بی خانمانی و محرومیت های مردم، از جمله "کودکان کار و خیابان"، گاه مستتر و گاه آشکار، در نظام سرمایه داری و ابعادش مثل خرافه، افکار سنتی و باورهای عقب مانده است. در کنار این واقعیت باید در نظر داشت که کودکان بدون دخالت و مراقبت بزرگ سالان، توان ادامه ی زندگی را ندارند. کودکان امکان دفاع از خود را ندارند و باید مسالهی کودکان کار و خیابان را نیز مقدم بر منفعت اقتصادی، سیاسی، ملی و جنسیتی در نظر گرفت. دولت ها و نهادهای دولتی برای رشد کودکان، موظفند که شرایط مناسب و مراکز متعدد را با استانداردهای لازم فراهم کنند. اما نه تنها دولت ها و نهادهای بورژوازی در قبال کار کودکان در جامعه مرجعی مسول نیستند، بلکه خود ایجاد کنندگی شرایطی اند که بچه ها را به کار مزدی و اجباری وا می دارند. بورژوازی و نظام حاکمش از نیروی کار ارزان و «غیرقانونی» بچه ها سود فراوانی به دست می آورند. بورژوازی ایران و دولت دست راستی فعلی اش، برخوردی مشابه دیگر جوامع سرمایه داری جهان نسبت به مسالهی کار کودک و پدیده کودکان کار و خیابان انتخاب کرده است.

اخیرا رییس سازمان بهزیستی کل کشور از اجرای طرحی با مشارکت دیگر سازمان های دولتی و انتظامی خبر داد که طی اجرای آن، در تهران، همدان و چند استان دیگر، «کودکان کار و خیابان همراه با کارتن خواب ها» و دیگر

نگاه هفته مجموعه اخبار و ...

مزدی کارگر پدیدهای جهانی است. مسالهی کار کودکان باید مستقل از نژاد قومیت و تابعیت محل جغرافیای محیط زیست در نظر گرفت. با بیحقوقی کارگرانی که تابعیت افغانی دارند و با اجرای قوانین تبعیض آمیز علیه آنان نیمی از کودکان کار از توجه قانون ها و نهادهای حمایت گر محروم می شوند.

از طرفی دیگر با اینکه کنوانسیون حقوق کودک با محدودیت های مربوط به کار کودکان به مراتب حاوی مطالبات کامل تری نسبت به قوانین کار ایران است، اما کافی نیست، تبصره ها و مفاد این قرارداد به روشنی بیان می کند که پیگیری مطالبات مندرج باید تابع اوضاع اقتصادی دولت های امضا کننده باشد و فرهنگ و ملیت غالب اولویت دارند.

تناقض های آشکار قوانین "دموکراتیک" بورژوازی جهانی نمی توانند در برگیرنده مطالبات تمام کودکان کار و خیابان باشند. حتی تضمینی هم برای اجرایی شدن همین قوانین ناقص و مشکوک وجود ندارد. طبق ماده ۲۸ این پیمان، کودکان زیر ۱۶ سال نباید کار حرفه ای انجام دهند در صورتی که در اکثر جوامع کشورهای متعهد به این قرارداد، پدیدهای کودکان کار برسمی و علنی است.

نمی توان فریب پرچم "حقوق بشر" و قوانینی را خورد که کل جامعه کودکان کار و خیابان را در سراسر دنیا نمایندگی نمی کند. جهان سرمایه کشتارگاه کودکان است. دستگاه عظیم از خود بیگانگی انسان از آسیب پذیرترین شهروندان جامعه بهره کشی می کند. چرا که نظام سرمایه داری بازار مبادله خود را در تمام ابعاد زندگی انسان ها گسترش داده است. مبارزه برای رفع تبعیض در متن جامعه سرمایه داری و اصلاح قوانین تبعیض آمیز در ایران جزء جدا نشدنی تلاش و جدال وسیع برای دگرگونی ریشه های اجتماعی است. فعالین آگاه طبقتی کارگر و سوسیالیست های دخالتگر و جریانی چپ اجتماعی و ماگزیمالیست در

ایران باید در دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان و در مسیر انسان های جامعه برای تغییر اساسی شرایط موجود پیشگام باشند. طبقتی کارگر به دلیل جایگاهش در پروسه تولید به عنوان تولید کننده واقعی ثروت و خالق امکانات رفاهی و بهداشتی در جامعه، می تواند در برابر استثمار کودکان توسط صاحبان وسایل تولید صف آرایی کنند. بخش آگاه طبقتی کارگر و سوسیالیست های آن باید ممنوعیت کار و تامین امنیت و رفاه و آموزش کودکان را، مقدم بر مطالبات اقتصادی و سیاسی خود قرار دهند. کودکان کار نه قهرمان می خواهند و نه نیازی به فرقه های مصلحین خیال پرداز دارند که حتی از تاثیری ولو کوچک در روند زندگی عاجزند. نظام سرمایه داری مسبب نابرابری سرکوب، جهل، خرافه و عقب ماندگی فرهنگی است. بنابراین امروز باید خواستار ممنوعیت کار حرفه ای کودکان، ممنوعیت کار خانگی، آموزش رایگان عمومی و اجباری و تامین مسکن مناسب بود. مادامی که نظام سرمایه داری بر زندگی طبقتی کارگر و انسانها تسلط دارد، هیچ قانون کاری به راستی آزاد و برابر نیست. بنابراین حمایت های مالی و اداری جامعه باید در راستای تامین و تضمین خدمات بهداشتی رایگان، مناسب و در دسترس همه باشد. رفاه آسایش و آزادی به معنای گسترده آن حق تمام شهروندان جامعه است. مهیا کردن استانداردهای بالای زندگی کودکان، پرداخت بیمه بیکاری به افراد بالای ۱۶ سال وظیفه دولت است. پدیدهای کودکان کار و خیابان حاصل تناقض های نظام سرمایه داری و منطق سودآوری است. حقوق کودک کار و خیابان و مسالهی بچه ها، مقوله ای جدا از ملیت و جنسیت است و باید به عنوان فاجعه ای جهانی بررسی شود. برخورد و جدال با استثمار کودکان نیازمند مقدم

دانستن مسالهی آنان در جدال برای برقراری دنیایی بهتر است و باید به مشابهی صدر مطالبات جامعه قلمداد شود. منتشر شده در: شماره دوم نشریه گام

"هویت من هویت انسانی است"
زمانی که ۶ سال پیش با یک قایقی فرسوده به جزیره کریسمس رسیدم، ماموران اداری مهاجرت من را به دفتری فراخواندند، یکی از ماموران به گفت که ما شما را به کمپی در جزیره مانوس در قلب اقیانوس آرام تبعید می کنیم. به او گفتم که من یک نویسنده ام، اما او تنها پوزخندی زد و بلافاصله به ماموران قوی هیکلی که آنجا بودند دستور داد من را ببرند.

من این تصویر را سالهاست که در ذهنم نگاه داشته ام، حتی زمانی که این رمان را می نوشتم و حتی همین الان که دارم این سخنرانی را می نویسم.
رفتار آن ها آشکارا تحقیق آمیز بود!

اما زمانی که به مانوس رسیدم تصویری دیگر در ذهنم خلق کردم، تصویر رمان نویسی جوان در زندانی دوردست. بعضی وقتها نیمه برهنه در داخل زندان و در کنار حصارها قدم می زدم و نویسنده ای را تصور می کردم که اسیر شده است. این تصویرسازی ها برای من جهت غلبه بر بیمها و سختی ها الهام بخش بودند.

سالهاست این تصاویر را در ذهنم نگاه داشته ام، حتی زمانی که مجبور می شدم برای دریافت غذا در صف های طولانی بایستم و یا دیگر حقارتها را تحمل کنم، بهتر است بگویم اینها تصاویری هستند که برای سالها با خود حمل کرده ام.

این تصاویر همیشه به من کمک کرده اند تا از شان و منزلت انسانی ام پاسداری کنم. تصویری الهام بخش تا هویت خودم را به عنوان یک انسان

حفظ کنم. در واقع، من این تصاویر را برای مقابله با تصویری که سیستم سعی می کرد بر ما تحمیل کند خلق کردم.

بعد از سالها مبارزه با سیستمی که به طور کامل هویت انسانی و فردیت ما را نادیده می گرفت، خوشحالم که به اینجا رسیدیم. بودن من در اینجا و در برابر شما ثابت می کند که همچنان کلمات قدرت این را دارند که روش های ضد انسانی سیستم ها و ساختارهای قدرت را به چالش اساسی بکشند.

من همیشه گفتم که به قدرت کلمات و ادبیات باور دارم. من باور دارم که ادبیات توانایی تغییر را دارد و می تواند سیستم و قدرت را به چالش بکشد. ادبیات قدرت این را دارد که به ما آزادی بدهد. بلی این واقعیت دارد.

من سالها در قفس بوده ام، اما ذهن من همیشه واژه ها را خلق می کردند و همین واژه ها من را از مرزهای این زندان و این جزیره عبور داده اند. این واژه ها من را به دنیای بیرون از زندان و به مکان های ناشناخته رسانده اند.

به طور واقعی باور دارم که کلمات بسیار قوی تر از نرده ها و سیم های خاردار زندان هستند. اینها تنها شعار نیستند، من یک ایده آلیست نیستم و اینجا خیال پردازی نمی کنم، بلکه این کلمات را به

عنوان انسانی واقعی می گویم که این جا، در این جزیره، به مدت ۶ سال به زور به گروگان گرفته شده است. کسی که شاهد شگفت آورترین تراژدی های انسانی در این مکان بوده است.

این واژه ها به من اجازه می دهد تا امشب در حضور شما ظاهر شوم. با فروتنی هر چه تمام تر، می خواهم بگویم که این جایزه یک پیروزی است. این نه تنها یک پیروزی برای ادبیات و هنر و فراتر از همه ی اینها یک پیروزی برای انسانیت است، پیروزی برای انسان بودن و شان و منزلت انسانی اوست.

این پیروزی بر سیستمی بود که هیچ گاه هویت انسانی ما را به رسمیت نشناخت. این پیروزی علیه سیستمی بود که ما را به اعدادی ریاضی و هویت های ماشینی و مکانیکی تقلیل داده بود.

عمیقاً خوشحالم که می بینم این سیستم بسیار پیچیده مدرن که همیشه شبیه یک هیولا بر ما ظاهر شده است در برابر قدرت کلمات و ادبیات با خفت زانو زده است. این لحظه ای زیبا و شگفت آور است. بگذارید همگی ما امشب برای قدرت ادبیات جشن بگیریم!

بهروز بوچانی / جزیره مانوس / ژانویه ۲۰۱۹



به حزب کمونیست کارگری پیوندید! شما هم فعالان دست در دست کسانی بگذارید که میخواهند دنیای بهتری پایه ریزی کنند.

آدرسهای تماس با حزب:
شماره تماس از طریق واتس آپ و ایمو
00447435562462
تلگرام: <https://t.me/wpisazmaneh>
ایمیل: committee.sazmandeh.wpi@gmail.com

تمام پرونده های امنیتی باید بسته شوند

اطلاعیه های حزب

بیدادگاه های جمهوری اسلامی را علنی کنیم

جمهوری اسلامی نه شهامت مناظره با شکنجه شدگان و زندانیان سیاسی را دارد و نه جرات علنی کردن بیدادگاه هایش را. چون هر مناظره و هر دادگاهی به صحنه محاکمه خود رژیم بدل خواهد شد. اما کارزار علنی کردن بیدادگاه های حکومت شروع شده است. اسماعیل بخشی وزیر اطلاعات را به مناظره طلبید و سپیده قلیان خواهان دادگاه علنی شد و بدنال آن طیفی از زندانیان سابق و بازداشت شدگان روزهای اخیر شروع به بازگویی صحنه های دادگاه کرده و علیه شکنجه هایی که توسط جلدان حکومت متحمل شده اند، دست به افشاگری زده اند و مقامات حکومت را به پریشان گویی انداخته اند. وکلای پیشرو و معترض نیز با افشاگری ها و طومارهای اعتراضی خود نقش مهمی در این مبارزه ایفا کرده اند.

این عرصه مهمی از مبارزه مردم علیه سیستم قضایی، قوانین و روند دادرسی و مجازات ها و رفتار جانیتکارانه قاضیان و شکنجه گران و زندانبانان حکومت، و جنبشی علیه کل تار و پود حکومت اسلامی است. عرصه مهمی از تعرض کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و هنرمندان و نویسندگان و وکلا و فعالین سیاسی و اجتماعی است که بدلیل مبارزه برای خواست های بحق خود دستگیر میشوند و مورد شکنجه و بیحرمتی و تهدید و انواع مجازات های قرون وسطایی قرار میگیرند. حکومت جرات نمیکند حتی پنج دقیقه میکروفون صدا و سیمای منورشر را در اختیار مردم معترض قرار دهد. اما مردم این محدودیت ها را با قدرت خودشان دارند در هم میشکنند و تهدید و زندان و شکنجه و به اصطلاح مستندسازی ها دیگر مانعی در مقابل پیشروی مردم نخواهد بود. مردم معترض در خیلی زمینه ها حکومت را عقب رانده اند و فضا را برای گسترش مبارزه خود آماده تر کرده اند. در این زمینه نیز فی الحال حکومت را به حالت دفاعی انداخته اند. نفس اینکه این روزها سران حکومت ناگزیر شده اند شکنجه را انکار کنند و به "مستند سازیهای" مسخره متوسل بشوند یک عقب نشینی آشکار است. اعلام کیفرخواست علیه سیستم قرون وسطایی بازداشت و بازجویی و شکنجه و اعتراف گیری و بیدادگاههای حکومت از زبان زندانیان گام دیگری در مبارزه علیه ماشین سرکوب حکومت و تحمیل عقب نشینی بیشتر به جانبان حاکم است. این مبارزه، حکومتی که با شکنجه و اعدام و زندان نفس میکشد را به سرنگونی نزدیک تر خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری کلیه زندانیان سیاسی، کلیه خانواده های زندانیان و جانبختگان و کلیه فعالین کارگری و معلمان و زنان و دانشجویان را فرامیخواند که صحنه های دستگیری و بازجویی و دادگاه و زندان را به اطلاع افکار عمومی برسانند و بیدادگاه های حکومت را تماما علنی کنند و در مقابل چشمان جامعه قرار دهند. با گسترش این مبارزه ضربه بزرگی به سیستم قضایی حکومت، که رکن اصلی سر کار ماندن آن است، و بر پیکر فرتوت حکومت شکنجه و قصاص اسلامی وارد خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ بهمن ۱۳۹۷، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۹

فراخوان معلمان شاغل و بازنشسته

به تجمع اعتراضی معلم زندانی آزاد باید گردد

معلمان شاغل و بازنشسته برای پیگیری خواستههایشان و در اعتراض به در بند نگاهداشتن شماری از معلمان و دستگیری ها و احضار های اخیر در چندین شهر از جمله سنندج، مریوان، سقز، اصفهان، خرم آباد، اردبیل و کرمانشاه فراخوان به تجمعات اعتراضی داده اند. این تجمعات در اصفهان برای ساعت ۴ عصر روز هجدهم بهمن در محل سی و سی پل، و در شهرهای سنندج، سقز، مریوان، خرم آباد و اردبیل در ۲۵ بهمن ساعت ده صبح مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرها برگزار خواهد شد. معلمان شاغل و بازنشسته در کرمانشاه نیز در ساعت ده صبح روز دوم اسفند به تجمع در مقابل آموزش و پرورش فراخوان داده اند.

خواست اول این تجمعات آزادی معلمان زندانی اعلام شده است. خواسته های دیگر آنها عبارت است از: آموزش رایگان، بهسازی مدارس، افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۶ میلیونی برای معلمان شاغل و بازنشسته، بیمه درمانی کامل، و یکسان سازی حقوق بازنشستگان.

معلمان شاغل و بازنشسته بارها دست به تجمع و اعتراض زده اند و خواسته های خود را که در واقع خواسته های اکثریت مردم است فریاد زده اند و مورد تاکید قرار داده اند. آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی، اعتراض به گرانی و فقر، اعتراض به شکنجه و زندانی کردن فعالین، تاکید روی اتحاد کارگر و معلم و دانشجو و خواست رفاه برای همه از جمله تاکیدات معلمان در تجمعات اعتراضی شان بوده است.

حزب کمونیست کارگری همگان را به حمایت وسیع و همه جانبه از اعتراضات معلمان شاغل و بازنشسته فرا میخواند. هم اکنون شماری از معلمان معترض از جمله اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی، محمد حبیبی، روح الله مردانی، عبدالرضا قنبری و محمد علی زحمتکش در زندان هستند. شمار دیگری از معلمان احضار و تهدید به زندان بازداشت شده اند. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. باید فوراً به امنیتی کردن مبارزات خاتمه داده شود و احضار ها و تهدیدات خاتمه یابد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹

هیجدهمین روز تجمع اعتراضی کارگران

قطار شهری اهواز

و برخی اعتراضات دیگر

روز شنبه ۱۳ بهمن کارگران پروژه قطار شهری اهواز (شرکت کیسون) در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مزد خود مقابل ساختمان قطار شهری تجمع کردند. در رابطه با این موضوع ۱۸۰ کارگر بخش های مختلف پروژه متروی اهواز طی هجده ماه گذشته با دست کشیدن از کار و تجمعات اعتراضی شان، اعتراض خود را اعلام داشته اند. مسئولین این شرکت به بهانه نداشتن منابع مالی همواره از پرداخت بدهی های کارگران سرباز زده اند. کارگران قطار شهری اهواز خواستار پرداخت تمام طلبها و دیگر مزایای پرداخت نشده شغلی شان هستند. بنا بر خبر ها در هفتم بهمن ماه نیز این کارگران همراه

با خانواده هایشان مقابل ساختمان قطار شهری تجمع داشتند. - جمعی از فرهنگیان شهرستان کارون ویوی در اعتراض به عدم پرداخت حق مناطق جنگی روز ۱۳ بهمن مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گفته فرهنگیان کارون و باوی طبق قانون کارمندان مناطقی که در دوران جنگ تحمیلی در خوزستان درگیر جنگ بودند حق مناطق جنگی به آنها تعلق می گیرد. خواسته آنها اینست که همین امسال این حکم بر حقوق فرهنگیان این ۲ شهرستان اعمال شود در غیر این صورت مبلغی که به حقوق آنها اضافه می شود در سال آینده به عنوان مطالبات تلقی می شود. فرهنگیان کارون و باوی که همچون تمامی شهرهای دیگر با معضل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر روبرویند، دریافت فوری حق مناطق جنگی را حق خود میدانند.

- روز ۱۰ بهمن جمعی از کارگران شرکت تراورس در اندیشک در اعتراض به پرداخت نکردن مطالبات مزدی ۴ ماهه شان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها بنری در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: ما پرسنل راه آهن (شرکت تراورس) بعد از حدود ۲۰ سال کار هنوز با قرارداد یکماهه آزمایشی کار میکنیم، ۴ ماه حقوق نگرفته ایم، از سال ۹۳ بیمه نداریم. نان نداریم.

- روز دوشنبه ۸ بهمن جمعی از کارگران شهرداری بروجرد در اعتراض به معوقات مزدی ۹ ماهه خود، برای چندمین بار در مقابل ساختمان شهرداری این شهر اقدام به برگزاری تجمع کردند.

- روز دوشنبه ۸ بهمن ماه، کارگران شهرداری مریوان برای هفتمین روز متوالی در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان مقابل شهرداری تجمع کردند. به گفته کارگران آنها از سال ۹۵ تا کنون نزدیک ۱۸ ماه است که حقوق و اضافه کاری خود را نگرفته اند و هر کارگر ۲۵ الی ۳۰ میلیون تومان از شهرداری طلب دارد. بدنال این اعتراضات به هر کدام از کارگران یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان علی الحساب پرداخت شد و شهرداری وعده داد که باقی مانده طلبهایشان تا ۲۰ روز دیگر پرداخت خواهد شد. بدین ترتیب کارگران موقتاً به سرکار خود بازگشتند. کارگران اعلام کرده اند اگر تا ۲۰ روز دیگر مبلغ وعده داده شده شهرداری پرداخت نشود، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد. این کارگران در واحدهای مختلف، نظیف، فضای سبز و اداری مشغول به کار هستند.

- روز دوشنبه ۸ بهمن، جمعی از رانندگان اتوبوس در مشهد، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالباتشان در مقابل ساختمان شورای این شهر، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

- روز ۸ بهمن کارگران پیمانی شرکت آب و فاضلاب روستایی دشتستان، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوقه، در محوطه شرکت تجمع کردند.

- روز ۷ بهمن جمعی از کارگران شرکت قفلکار شهر صنعتی البرز به دلیل قصور و کیل خود در پرونده مطالبات کارگری روز مقابل کانون وکلای استان قزوین تجمع کردند. این کارگران در دوم بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، در مقابل ساختمان دادگستری شهرستان البرز، تجمع کرده بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ بهمن ۹۷

۲ فوریه ۲۰۱۹

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

اطلاعیه های حزب...

اعتصاب ۹۰۰ کارگر رینگ سازی مشهد و اخباری از اعتراضات گسترده علیه دستمزدهای پرداخت نشده

روز ۱۷ بهمن حدود ۹۰۰ کارگر شاغل در کارخانه رینگسازی مشهد با خواست بازبینی اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای دومین روز تجمع کردند. اعتراض این کارگران به اجرای سلیقه ای طرح طبقه بندی مشاغل و اساسا به سطح نازل حقوقهاست. پرداخت دستمزد دیمه آنها نیز ۱۵ روز است که به تاخیر افتاده است. بنا بر گفته کارگران یکسانسازی حقوق تا به حال در کارخانه رینگسازی برای همه اعمال نشده و کارگرانی در این میان هستند که با بیش از ۲۰ سال کار به اندازه سوابق کاریشان حقوق دریافت نمی کنند.

کارگران شهرداری در شهرهای مختلف با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرو هستند و در چند ماهه اخیر اعتراضات گسترده ای برای نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته خود داشته اند. از جمله روز ۱۷ بهمن کارگران شهرداری «آبژدان اندیکا» در استان خوزستان بخاطر تعویق پرداخت ۸ ماه دستمزد خود برای سومین روز مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. جدا از دستمزد، عیدی سال گذشته این کارگران نیز بعد از گذشت ۱۱ ماه از سال هنوز پرداخت نشده است. همچنین طی روزهای گذشته کارگران بخش خدمات شهرداری نورآباد ممسنی در استان فارس در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان دست به اعتصاب زدند و از جمع

آوری زباله ها از سطح شهر خودداری کردند. کارگران شهرداری توحی در استان ایلام نیز بخاطر ۵ ماه حقوق و دو ماه حق بیمه در روز گذشته در مقابل شهرداری تجمع داشتند. نمونه های دیگر اعتراضات کارگران شهرداری در بروجرد، میروان، آبادان اتفاق افتاده است. گستردگی این اعتراضات تا کیدی بر روی تدارک اعتصابی سراسری از سوی این کارگران و ایجاد شورای سازماندهی اعتصاب آنان است.

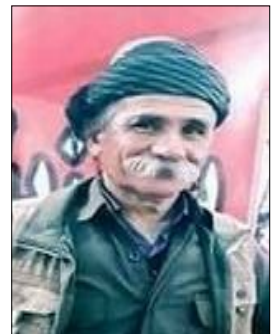
وعده پرداخت دستمزدها و پایان موقت اعتصاب کارگران قطار شهری اهواز

روز ۱۷ بهمن ۱۸۰ کارگر قطار شهری اهواز در بیست و چهارمین روز اعتراضاتشان با وعده پرداخت ۵ ماه از مطالبات ۱۵ ماهه خود موقتا به سر کارشان بازگشتند. بنا بر خبر زیر فشار اعتراضات کارگران و تجمعات هر روزه شان در این روز مدیر عامل سازمان قطار شهری و چند نفر از مدیران سازمان در جمع کارگران حاضر شدند و وعده پرداخت ۵ ماه از دستمزدها را دادند. کارگران اعلام کرده اند که اگر به این وعده عمل نشود، اعتراضات خود را از سر خواهند گرفت. در عین حال این کارگران خواستار روشن شدن وضعیت دیگر مطالبات عقب مانده و زمان دقیق پرداخت آن هستند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹

بدرود رفیق!

عبدالله منوچهری (شوانه) یار دیرین و انقلابی مردم شهر میروان



شوانه رفیق مبارزی است که در ۴ دهه فعالیت سیاسی و نظامی علیه حکومت اسلامی سرمایه شرکت داشته. او از درون زحمتکشان و تهیدستان شهر میروان برخاست و با اعتراض طبقاتی علیه فقر و ناداری به صف مبارزه پیوست. شوانه کارگر زحمتکشی بود که استثمار و نظام طبقاتی را با گوشت و پوستش لمس کرده بود.

رفیق شوانه با اولین حرکت انقلابی در شهر میروان تشکیل (اتحادیه دهقانان میروان و اورامان) که توسط کمونیست و رهبر انقلابی فواد مصطفی سلطانی و تنی جند از اعضای کومه له در میروان بنیان گذاشته شد، بصف علنی و مسلح این تشکل پیوست. همراهی رفیق شوانه با این اتحادیه که تشکل مسلح و قدرتمندی علیه فئودالهای مسلح و حکومت اسلامی بود پیام آور اولین تجربه حضور کارگر و زحمتکشی بود که مالکیتی در زمین نداشت و از دسترنج کارش زندگی میکرد. شوانه سالها طولانی در صفوف کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران مبارزه کرد. شوانه شخصیتی خوشنام و انقلابی در صفوف کومه له و در

تابلو اعلانات

سخنرانی ها، تظاهرات هاو جلسات



ایران به کجا می رود؟

بررسی سیر تحولات ایران در یکسال اخیر
موقعیت چپ، راست و چشم انداز آینده
سخنران: حمید تقوایی

شنبه، ۹ فوریه ۲۰۱۹ - ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۷:۳۰
تورنتو، ۵۱۰۰ خیابان یانگ - نورت یورک سبویک سنتر

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!
برنامه شامل:
- سخنرانی: شوشا محبوس
- سرود: زنده از گریز شهری گوربا با حضور: مهنود، مهنود گریز
- سرود: ۱۱۱ مبارزه به همراه خنجرای شرکت کند، برنده را ۱۰ پاس از قلب، زنده مونس را

آکسیون اعتراضی علیه دستگیری مجدد فعالین کارگری در فرانکفورت - آلمان
شنبه، ۹ فوریه از ساعت ۲ تا ۴ عصر
Frankfurt Samstag

گرامی داشت روز جهانی زن در ونکوور - کانادا
جمعه، ۸ مارس از ساعت ۵:۳۰ تا ۷ عصر
مقابل آرک کالری

پاتوق همدارسیون در استکهلم
هر جمعه ساعت ۶ بعد از ظهر
محل دیدار دوستان و آشنایان با دوستان جدید
محل تکلیف و گفتگویی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
آدرس: Torkel Knutsson gatans39/Mariatorget
مستقر پاتوق خوشیار سروش patogh.st@gmail.com
Tel: 004 727 9998

برنامه این هفته پاتوق - جمعه ۸ فوریه ۲۰۱۹
گفت و شنود با **عبدالله اسدی**
در مورد اوضاع جدید پناهندگی
تلفن تماس سارا بنوی: 0707175542

گرامی داشت روز جهانی زن در ونکوور - کانادا
جمعه، ۸ مارس از ساعت ۵:۳۰ تا ۷ عصر
مقابل آرک کالری

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.
یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میبایند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرا میخواند در هر شهر و محلی که میبایند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مداخلات اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

کارگران، مردم، زنان، جوانان:

اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خود نمیدانند. در وجود تک تک ما سوسیالیستهای پرحرارتی نهفته است که میخواهد از این قالب بیرون بزند. از قالبهایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبودهاند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنی، قالب جنسیتی، هیچکدام اینها هویت ما را در بدو تولدمان شکل ندادهاند. آن سوسیالیسم درونی ما، آن آدم سوسیالیستی که داخل پوست جلد ماست زیر یار هویتهایی که در طول زندگیش برایش تراشیده میشود و شما هر روزه آنها را حس میکنید، مدفون است.

حزب کمونیست کارگری ایزاری است برای مبارزه در راه آن سوسیالیسم، انسانیت و برابری طبلی که همه شما در قلبتان حس میکنید. به حزب خودتان بپیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!